گفت‌وگوی کیهان با پدر شهید مدافع حرم، مسعود عسگری، به مناسبت اولین سالگرد شهادت

شوق پرواز

علی‌اکبر برادری

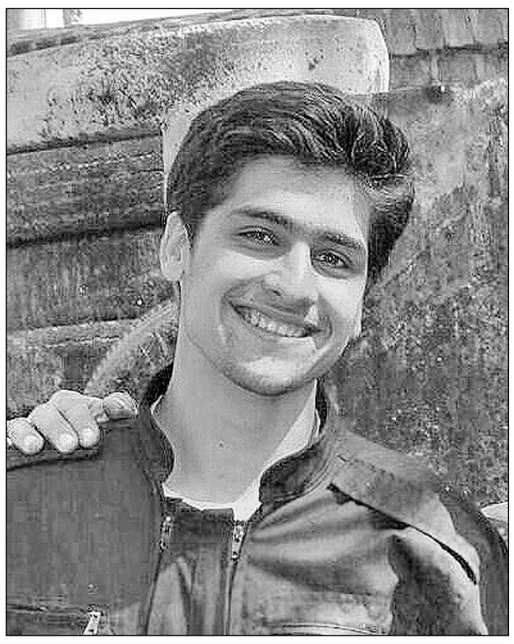

بسیجی شهید حاج مسعود عسگری هشتم شهریور ۱۳۶۹ در محلـه ابوذر تهـران و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. وی فرزند دوم خانواده بود. مسعود عسگری به طور همزمان در دو رشته الکترونیک و حقوق مشغول تحصیـل بود که به دلیل علاقه فراوانش به پرواز هر دو رشته را نیمه‌کاره رها کرد. از جمله مهارت‌های این شهید می‌توان به استاد خلبانی هواپیماهای سبک، استاد کار و نجات در ارتفاع، غواصی، سنگ‌نوردی، صخره‌نوردی، چتربازی، تخصص در تعمیر موتور و قایق و... اشاره کرد. وقتی از بچه‌های محله ابوذر درباره خصوصیات اخلاقی مسـعود می‌پرسـیم، غالبا با کلماتی از قبیل باهوش، کنجکاو، خوشرو، ورزشکار، کم‌حرف، بی‌ریا، آرام و صبور، بااخلاص، ولایی و عاشـق امام خامنه‌ای، بسیجی فعال و... از او یاد می‌کنند. مسـعود در این دنیا فقط ۲۵ بهار را تجربه کرد و ۲۱ آبان ۱۳۹۴ در شب جمعه اول ماه صفر، در منطقه عملیاتی حلب سوریه به فیض شهادت رسـید. همراه وی سه تن دیگر از دوستانش به نام‌های احمد اعطایی، سیدمصطفی موسوی و محمدرضا دهقان امیری هم به فیض شهادت نائل شدند که این چهار شهید والامقام به شهدای اربعه حلب شهرت یافتند. پدر مسعود، حاج صفدر عسگری که خود از رزمندگان دفاع مقدس است، برایمان از شهید می‌گوید.

***

*** آقای عسـگری، به عنوان اولین سؤال از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی شهید برایمان تعریف کنید.**

شهید عسگری از همان اوایل کودکی‌اش به مسجد و هیئت علاقه نشان می‌داد. من هم تشویقش می‌کردم و خیلی خوشـحال می‌شدم که می‌دیدم در این مسیر حرکت می‌کند. فکر می‌کنم ۱۴ ساله بود که وارد بسیج شد و در پایگاه حسینیه یوم‌الغدیر فعالیتش را شروع کرد. بعد از مدتی هم در مسجد ناظریه فعالیت کرد تا اینکه در حدود سـن ۱۶ سالگی وارد یگان فاتحین شد و در آنجا آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای‌اش را شروع کرد. او تلاش‌های زیادی برای تجهیز و توسـعه قسمت‌های آموزشی یگان انجام داد و در حین فراگیری به نیروهای جدید هم آموزش می‌داد. ایشان همزمان در یک شرکت معتبر کار در ارتفاع مشـغول به کار شده بود که درآمد مناسبی هم داشـت. در امتداد این فعالیت‌ها مقدمات اعزام به عراق هم برایش فراهم شد و پس از چند دوره حضور در عراق، عازم جبهه‌های سوریه شد.

*** از خصوصیات اخلاقی و فعالیت‌های فرهنگی ایشان به خصوص در محله ابوذر بگویید.**

مسـعود از همان اول نوجوانی عضو پایگاه بسـیج مسـجد یوم‌الغدیر بود. در برنامه‌های فرهنگی مسجد حضـور فعـال داشـت. در مراسـم‌های مختلف مثل مسجد ارگ و سخنرانی‌های حجت‌الاسلام پناهیان که شـنبه‌ها در مسجد یوم‌الغدیر برگزار می‌شد و هنوز هم کمافی‌السابق ادامه دارد، شرکت می‌کرد. شب‌های ماه رمضان مقید بود در مراسمات احیای مسجد ارگ حاج منصور ارضی شرکت کند. در زمان فتنه ۸۸ هم ایشان به عنوان بسیجی فعال در میدان‌های مختلف تهران حضور داشت. بصیرت و ولایتمداری شهید قطعا خیلی بیشتر از برخی رجال سیاسـی بود. تحلیل‌هایی که از مسائل روز جامعه داشـت، از سن و سال خودش هم فراتر بود. در تهذیب نفس به شدت مراقب خودش بود. هیچ وقت نشد ایشان بیاید از کارهای خودش تعریف کند. شدیدا ریاگریز بود. تا جایی که مثلا ما می‌دیدیم قبل از صبح از خانه بیرون می‌رود. ولی نمی‌دانستیم کجا می‌رود تا اینکه یکی از همسایه‌ها گفت آقا مسعود هرروز در نمازجماعت صبح مسجد حاضر است. بیشتر موفقیت‌ها و افتخاراتش را از زبان دوستانش می‌شنیدیم. به خصوص بعداز شهادتش. در سـوریه هم برنامه‌های هیئـت را در همان یگان که بودند برگزار می‌کردند و بنا به گفته همرزمانش، ایشان در روزهای آخر، خیلی کم حرف شـده بود و آن روحیه پرانرژی و شوخی‌ها و خنده‌هایش کم شده بود و بیشتر در حالت سکوت و خلوت و تهجد بود.

*** ظاهـرا فعالیت‌های ورزشـی متنوعی هم داشتند.**

فراوان. ایشان در ورزش‌های گوناگون صاحب مهارت بود. در بسیج، ورزش پینت بال را شروع کرد تا آنجا که به عنوان مربی بـه پایگاه‌های مختلف منطقه می‌رفت. در ورزش‌های رزمی و دفاع شـخصی هم پیشرفت‌هایی داشت. در شنا موفق شد پس از طی مراحل آموزشی در حـد حرفه‌ای و به عنـوان غواص و غریق نجات تا عمق ۲۵ متری خلیج‌فارس وارد شود و شنا کند. کسی که با شـنای در عمق آشنا باشـد، می‌داند فشار آب در عمق چهار متر به بعد زیاد می‌شود. شنا در عمق ۲۵ متر کار کمی نیست. بعد از آن از فدراسیون شنا گواهینامه پایان دوره غواصی را دریافت کرد. در ورزش صخره‌نوردی هم مهارت داشت و آموزشـه‌ای حرفه‌ای و تخصصی دیده بود. در پرواز همین‌طور. در این مدت ۱۶ سـال شـاید ایشـان هیچ کاری را بیشتر از پرواز انجام نداده بود. هم با پاراگلایدر، هم با جایروکوپتر و تا سطح استاد خلبانی هم پیشرفت داشـت. در پریدن و چتربازی هم مهارت داشت. هرسال در راهپیمایی ۲۲ بهمن در میدان آزادی آقا مسعود پرش با چتر داشت. در همه این ورزش‌ها هم گواهینامـه مهارت گرفته بود. در یادگیری و مهارت کم نظیر بود. این را اساتیدش می‌گفتند. البته بگویم خیلی از اینها را ما بعداز شهادتش فهمیدیم. از دوستانش و از عکس‌هایش که به دست ما می‌رسید، از شهرهای مختلف. یادم نیست از خودش تعریف کرده باشد. کم‌حرف بود و پرکار. گاهی از چهره‌اش متوجه می‌شدیم که چقدر کار کرده. ولی خودش چیزی نمی‌گفت.

*** ایشان چطور توانست نظر مثبت شما را برای اعزام به سوریه جلب کند؟**

ایشان مستقیم به من چیزی نگفت. ولی با مادرش هماهنـگ کرده بود و تاکید کرده بود که این موضوع به عنوان یک راز باید بماند و تا قبل از اینکه خبر شهادتش از تلویزیون پخش شود و یا به هر طریقی متوجه شوند، کسی نفهمد که به سـوریه رفته است. البته من خودم از رفت و آمدهای روزهای آخرش کم‌کم متوجه شـده بودم. حال و هوایش عوض شده بود. روز آخر دیدم دارد ساکش را می‌بندد. آن ساک را مخصوص مسافرت خارج کشـور خریده بود و با آن فقط یک‌بار به حج رفته بود. آنجا مطمئن شـدم که دارد می‌رود سوریه. خودش قبل از اینکه من چیزی بگویم، با لبخند گفت برمی‌گردم. من البته راضی بودم و خوشـحال از این بابت که پسـرمان دارد در ایـن راه حرکـت می‌کند. چند روزی در رفت و آمد بود تا کارهایش را تنظیم کند. تا اینکه یک روز با ما خداحافظی کرد و با پرواز مستقیم به سوریه رفت برای جنگ. البته چون من خودم هم در بسیج محله فعالیت دارم، با پیگیری‌هایی که کردم متوجه شـدم که به چه طریقی و با کدام یگان رفته به واسطه بعضی دوستان هم از وضعیتش اطلاع حاصل می‌کردیم. در سوریه نزدیک چهل روز حضور داشت و در این مدت هم گاهی به ایران رفت و آمد می‌کرد.

*** آخریـن باری که با ایشـان تماس تلفنی داشـتید، چه زمانی بود و چه صحبت‌هایی رد و بدل شد؟**

حدود ۱۰ روز قبل از شـهادتش زنگ زد و با من و مادرش و برادرانش صحبت کرد. من هم می‌گفتم خدا حافظت باشـد. مواظب خودت باش. ایشـان به لحاظ محدودیت‌های امنیتی خیلی نمی‌توانست صحبت کند و هرچه می‌پرسیدیم می‌گفت نمی‌دانم. مثلا می‌گفتیم الان کجایی؟ می‌گفت نمی‌دانم. ما هم فقط برایش دعا می‌کردیم و سفارش می‌کردیم که مواظب خودش باشد.

*** از ماجرا و کیفیت شهادت شهید عسگری هم تعریف کنید.**

ایشـان در حومه حلب و در آسـتانه ورودی شهر العیس به شـهادت رسـید. کل مدت زمانی که ایشان در سوریه حضور داشـت حدود دو ماه بود. دوستان و همرزمانـش برای ما تعریف می‌کنند که آنجا هم خیلی محکم و با جسارت می‌جنگید. در شب عملیات هم که شـب جمعه اول ماه صفر بود، جزو ستون اول نیروهای عملیاتی بود. در روز آخر در کمین دشمن قرار گرفتند و به شکل غافلگیرانه و با سلاح‌های جنگی نامتعارف به شهادت رسید. همراه مسعود، سه نفر دیگر از همرزمانش به نام‌های شـهید احمد اعطایی، شهید سید مصطفی موسوی و شهید محمدرضا دهقان امیری هم به شهادت رسیدند.

*** خبر شهادت شـهید عسگری را چطور برایتان آوردند؟**

از طریق بسـیج محل، حوزه ۲۵۱ مطلع شدیم. به مسـئول حوزه اطلاع داده بودند که به ما خبر بدهند. شهید عسگری پنجشنبه شهید شـده بود. روز جمعه خبر شهادتش را برایمان آوردند. باورش برای خودشان هم سخت بود. چند بار بررسی کردند. نمی‌خواستند باور کنند که شهید عسگری همان مسعود است. وقتی هم که به منزل ما آمدند، من مسجد بودم. بلافاصله با اطلاع مادر آقا مسعود یک نفر آمد مسجد و طی مراسمی خبر شـهادت مسعود را اعلام کردند.فردای همان روز جنازه را به تهران منتقل کردند.

*** از روز تشییع جنازه و کم و کیف مراسمات تعریف بفرمایید.**

در تشییع جنازه جمعیت خیلی زیادی آمده بودند و واقعا باشکوه برگزار شد. حجم جمعیت، تکریم و احترام جمعیت به خانواده و مراسم مثال زدنی و بیادماندنی بود. یک شـب جنازه شهدا را در امامزاده حسن نگه داشتند و مراسـم شبی با شـهدا برگزار کردند و تا صبح مردم می‌آمدند و زیارت می‌کردند. فردایش جنازه را بردند در سـتاد نیروی هوافضای سپاه تشییع کردند. فرماندهان ارشد سپاه و نیروی مقاومت برای تسلیت‌گویی به منزل ما می‌آمدند و از خاطرات شهید می‌گفتند. به خصوص سردار حاجی زاده که خیلی از شهید تجلیل می‌کرد. تا چند روز منزل ما محل رفت‌وآمد قشرهای مردم و مقامات سیاسی و نظامی شده بود. مسئولین می‌آمدند. آقای شهردار هم آمدند. رئیس‌جمهور سابق جناب آقای احمدی‌نژاد هم آمدند. مراسمات متعددی برگزار شد. علاوه بر مراسمی که ما گرفتیم، چند مراسم شب هفت برگزار کردند، چند چهلم گرفته شد. بحمدالله تجلیل خیلی خوبی از شهید شد و بازتاب زیادی داشت. البته این نکته را هم اضافه کنم که بعضی از افرادی که تا آن روز اصلا با ادبیات مقاومت و شـهادت بیگانه بودند، وقتی که در این مراسم‌های آقا مسعود شرکت کردند، همین حضورشان دلیلی شد برای اینکه اینها هم بروند و به عنوان مدافعان حرم ثبت‌نام کنند و آموزش ببینند و جذب بشوند و به سوریه اعزام شوند. خیلی دیگر از دوسـتان آقا مسعود هم که مثل خودش بسـیجی بودند و انصافا در همه آن مراسمات هم خیلی زحمت کشیدند، می‌آمدند به بنده می‌گفتند ما به مسعود متوسـل شدیم و خواستیم اعزام ما را هم درست کند و حالا حاجت گرفتیم. یعنی ایشان بعد از شهادتش، کلی نیرو آورد پای این پرچم و این فرهنگ.

*** جواب شـما به کسـانی که می‌گویند چرا سوریه؟ چیست؟**

در بین گفته‌های مثبت، گفته‌های منفی هم وجود دارد. ما هم برای اینها پاسـخ داریم. ما معتقدیم حضور امروز مدافعان حرم در جبهه سوریه از حضور رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس به‌مراتب برجسته‌تر و بااهمیت‌تر است. در دفاع مقدس از جامعه ایران و نظام اسلامی دفاع شـد. آن روزها البته موضوع شکل گیری نهضت جهانی اسلام خیلی مطرح نمی‌شد. به‌دلیل اینکه آن زمان بحث جبهه مقاومت مثل امروز تبیین نشـده بود. ولی الان با موج بیداری اسلامی و فراگیر شدن تفکر انقلاب اسـلامی در کشـورهای مختلف، موضوع صدور انقلاب و نهضت جهانی اسـلام خیلی بهتر از قبل مورد شناخت و پذیرش افکار عمومی قرار گرفته است. امروز دفاع در جبهه سوریه و عراق به‌معنای واقعی کلمه، دفاع ملی است، به‌علاوه تقویت جبهه مقاومت و بیداری اسلامی و دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام. این تکفیری‌ها هرجا پایشان باز شود، اولین کاری که می‌کنند تخریب و توهین به قبور بزرگان دینی و اماکن مقدس مسـلمانان است . خوب اینها برای هر مسـلمان باغیرت خیلی مهم است. ما قطعا نمی‌توانیم بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم که آنها العیاذبالله به حرم اهل بیت علیهم السـلام اهانت کنند. بنابراین و با این نگاه می‌توان گفت حضور مدافعان حرم خیلی ضروری و مؤثر اسـت. یعنی اگر رهبری فرمان بدهند، همه ما می‌رویم و باید برویم. همان‌طور که عرض شد، به سه دلیل. اول ضرورت دفاع ملی و دور کردن تهدید، دوم عرق مذهبی و دفاع از حرم اهل بیت و سوم، تقویت جبهه مقاومت. کسانی که اهل مطالعه هستند و بخصوص مسائل انقلاب و دفاع مقدس را پیگیری می‌کنند می‌دانند که سوریه از همان اول، چه در انقلاب و چـه در دفاع مقدس در کنار ایران بود. هر زمانی که شهید چمران و فرماندهان دیگر ایرانی در لبنان در تنگنا قرار می‌گرفتند دولت وقت سوریه حاضر می‌شد و کمک می‌کرد. حالا می‌شود ما سوریه را تنها بگذاریم؟ مطمئنا هدف تکفیری‌ها بعد از سـوریه و عراق، خود ما هسـتیم. ما مرزهایمان را هزاران کیلومتر دورتر کردیم. این کار کمی نیسـت. این یک هنـر و راهبرد بزرگ در دنیای امروز است. در روایات اسلامی هم به این استراتژی مهم تاکید شده که با دشمنان خود در بیرون مرزهایتان بجنگید. این شیوه پیامبر اسلام در غزوات هم بود. در نهج البلاغه هم امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند که هر ملتی درون خانه‌اش مورد هجوم دشمن قرار گرفته خوار شده است. ما این همه پاسخ‌های محکم و استدلال‌های قوی داریم برای حضور فرزندانمان در سوریه. همه می‌دانند که اگر ما نرویم، آنها به داخل کشور ما می‌آیند. البته ما این خورده‌گیری‌ها را خیلی کمتر شنیدیم و بیشتر کسانی که می‌آیند به ما می‌گویند خوش به سعادتتان. شما چکار کردید که پسرتان موفق شد؟ ما هم می‌خواهیم به سوریه برویم و یا بچه‌هایمان را بفرستیم. از ما خواهش می‌کنند که کمکشـان کنیم. این نگاه بحمدالله امروز در جامعه پررنگتر است. ضمن اینکه البته این حرف‌های منفی هم از اول بوده. مگر به پیامبر ایراد نمی‌گرفتند؟ مگر در طول تاریـخ این حرف‌ها نبوده؟ ولی وقتی ما به راه خودمان و هدف خودمان ایمان و یقین داشته باشیم، جواب قاطع هم برای این جماعت داریم و این حرف‌ها قطعا نمی‌تواند خللی در اراده ما ایجاد کند. إن‌شاءالله.

*** پیام شـما به عنوان پدر شـهید به مردم و مسئولین چیسـت و در واقع چه انتظاراتی از مسـئولین دارید و به عبارت بهتر دغدغه فکری امروز شـما بعنوان نماینـده‌ای از خانواده معظم شهدا چیست؟**

اگر انقلاب اسلامی نمی‌شد، تکلیف دیگری داشتیم. ولی امروز که در فضای انقلاب اسلامی تنفس می‌کنیم، تکلیف مان به مراتب سخت‌تر است. این اتفاقاتی که در کشور دارد می‌افتد و ما در تلویزیون می‌بینیم و می‌شنویم، خیلـی ما را اذیت می‌کند. خیلی‌ها از راه خارج شـدند. راه و هدف را گم کردند. اصل، اسـلام است. اصل، خون شهداست. اصل، ولایت فقیه است. اگر این سه اصل را مبنا و محور حرکت خودمان قرار دهیم، به تکلیف مان درست عمل می‌کنیم. اینهایی که به آمریکا اعتماد می‌کنند، به دشمن اعتماد می‌کنند، با دشمن دست می‌دهند، معلوم است که از این سه اصل فاصله گرفته‌اند. اینها ما را اذیت می‌کند. این حقوق‌های نجومی از بیت‌المال مسـلمین است. اینهایی که حقوق چند صد میلیونی می‌گیرند، از کجاست؟ خودشان می‌گویند حق ما از سفره انقلاب است. کدام سفره؟ شـهدا خودشان را متعهد و مدیون انقلاب می‌دانسـتند. همه ما بدهکار به این انقلاب هستیم، نه طلبکار! از آن طرف بدعت‌هایی که ایجاد می‌کنند، گاهی می‌بینیم حتی امام راحل را هم تحریف می‌کنند. خیلی عجیب است. ولی متاسفانه امروز دارد این اتفاق می‌افتد. چه بر سـر این کشـور آمده؟ استکبارستیزی چه شد؟ آرمان‌ها چه شـد؟ هنوز خون شهیدان، تازه است. اگر از شهدا فاصله بگیریم، اگر تابع رهبری نباشیم، همین شهید فردا جلو ما را می‌گیرد. خوب، این شهید برای چه رفته؟ برای همین راه و همین اصول رفته. این پیام ماسـت. تا آخر هم روی این حرفمان هسـتیم. هرجا هم لازم باشد ایستادگی می‌کنیم. حتی اگر برایمان هزینه داشته باشد، باز هم این حرف‌ها را می‌زنیم. چون اعتقاد ما همین است.

برگ سـبز (شناسـنامه مالکیت) خودرو سـواری پراید دی‌ام (هاچبـک) انژکتوری به شـماره پلاک ۱۲۱ ج ۲۳ - ایران۱۴ به رنگ مشـکی روغنی مدل ۱۳۸۴ و شماره موتور ۰۱۱۶۲۵۷۲ و شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۴۱۷۶۴۴۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سـبز خودرو سـواری پژو ۲۰۶ TU۳ به شماره پلاک ۶۹۱ م ۶۶ - ایران ۱۴ به رنگ مشـکی متالیک مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۱۶۵A۰۰۲۵۲۲۳ و شماره شاسی NAAP۰۳EEXFJ۲۱۵۵۴۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سـند کمپانی و برگ سبز خودرو سـواری پراید صبا (جی‌تی‌ایکس) به شماره پلاک ۲۵۴ ق ۱۲ - ایران ۱۴ به رنگ سـفید - معمولی مدل ۱۳۸۰ و شماره موتور M۱۳۲۶۳۱۴۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۰۷۲۶۱۸۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و کارت مشخصات خودرو سواری پراید ۱۳۱ به شماره پلاک ۳۱۲م ۶۸-ایران ۱۴ به رنگ سفید - معمولی مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۵۴۵۵۶۱۵ و شماره شاسی NAS۴۱۲۱۰۰F۳۳۸۰۵۷۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی حصر وراثت

آقای رحیم شـهرت علی محمدی نام پدر کریم بشناسـنامه ۷۲۰۵ صادره از اهواز درخواسـتی بخواسـته صدور گواهـی حصر وراثت تقدیـم و توضیـح داده که فرزندم مرحوم محسـن شـهرت علی محمدی بشناسـنامه ۲۸۹۷۸ صادره ملایـر در تاریخ ۹۵/۶/۲۱ در بنـدر امام‌خمینی(ره) اقامتگاه دائمی فـوت ورثه‌اش عبارتند از: ۱- متقاضـی رحیم علی محمدی فرزند کریـم به ش‌ش ۷۲۰۵ صادره از اهواز بعنوان پدر متوفی ۲- صدیقه سـلیمانی فرزند محمد رسول بـه ش‌ش ۲۱۱۷ صادره از ملایـر بعنوان مادر متوفـی ۳- فهیمه شامحمدی فرزند علی برار به ش‌ش ۳۹۲۰۰۳۳۴۵۰ صادره از ملایر بعنوان زوجه متوفی ۴- آرین علی محمدی فرزند محسـن به ش‌ش ۰۰۲۶۴۸۵۶۷۲ صادره از تهران بعنوان پسر متوفی و لاغیر.

قاضی شورای حل اختلاف بندر امام‌خمینی(ره)
وحید خندانی

آگهی تغییرات شرکت تعاونی تولیدی توزیعی تکوا به شماره‌ثبت ۱۲۸۱۴۸ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۷۱۵۳۳۰

به اسـتناد صورتجلسـه مجمع عمومی عادی بطـور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۰ و مجوز شـماره ۱۲۲۳۱ مورخ ۹۵/۱/۲۸ وزارت تعاون، کار و رفـاه تصمیمـات ذیل اتخاذ شـد: غلامرضـا عبدالهی کدملی ۰۰۵۶۸۰۴۳۱۸ و محمدباقر خداشـناس کدملـی ۶۵۱۹۵۷۱۹۰۳ و داریوش شـیخی کدملی ۲۵۵۹۵۴۶۲۲۱ به عنوان اعضا هیئت تصفیه انتخـاب شـدند. با ثبت این مسـتند تصمیمات تعیین سـمت مدیر، مدیـران، هیئت تصفیه، انتخاب مدیر، مدیـران، هیئت تصفیه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای اسـمعلی اسدی غیاثوند دارای شناسـنامه شماره ۲۴۹ با وکالت خانم آیدا صمدیان از این شـورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شـادروان گدا علی اسـدی غیاثوند به شناسـنامه ۱۳۰ در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- مروارید اسدی غیاثوند به شماره شناسنامه ۵ فرزند اناث
۲- زربانو اسدی غیاثوند به شماره شناسنامه ۱۷۸ فرزند اناث
۳- ایمانعلی اسدی غیاثوند به شماره شناسنامه ۳ فرزند ذکور
۴- اسمعلی اسدی غیاثوند به شماره شناسنامه ۲۴۹ فرزند ذکور
اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواسـت مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسـی اعتراضـی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشـد از تاریخ نشـر آگهی ظرف یک ماه به شـورا تقدیـم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

سیدی - رئیس شعبه دوم شورای حل اختلاف بخش کوهین

سـند کمپانی و برگ سـبز خودرو سواری پراید جی‌تی‌ایکس‌آی به شـماره پـلاک ۲۱۶ م ۱۳ ایـران ۲۴ به رنگ سـبز - متالیک مدل ۱۳۸۳ و شـماره موتور ۰۱۰۱۱۳۵۸ و شـماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۳۹۲۰۹۳ مفقود شـده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت هوشـمند بـه شـماره ۲۸۰۶۲۷۰ مربـوط بـه کامیـون یخچالدار الوند به شـماره انتظامی ۵۵۷ ع۵۸ ایـران ۷۳ مـدل ۱۳۹۰ رنگ سـفید روغنی شـماره موتـور ISF۳۸S۳۱۴۱۸۹۰۰۹۱۴۸ شـماره شاسـی NADV۴JBB۲AJ۰۴۷۶۳۹ بنام علی حیدری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۱۳۹۵۰۴۰۲۱۶۵۹۰۰۰۰۵۷/۱

بدینوسـیله بـه آقـای خلیـل شـعبانی بدهـکار پرونـده کلاسـه ۱۳۹۵۰۴۰۲۱۶۵۹۰۰۰۰۵۷/۱ کـه برابـر گـزارش مامـور ابـلاغ مورخ ۱۳۹۵/۸/۴ شـناخته نگردیده‌اید ابلاغ می‌گردد که برابر قرارداد بانکی بین شما و بانک پارسـیان مبلغ ۲۰۲/۸۸۹/۸۰۸ ریال ضامن بدهکار خانم مریم شـعبانی می‌باشـید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشـریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسـه فوق در این اجراء مطرح می‌باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین‌نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می‌گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کیهان چاپ درج و منتشر می‌گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشـار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی میبد

ابلاغ

در خصـوص دعوی علـی مرادرضایی میرقائد و رامین مردانـی و نورمحمد رضائی میرقائد به کلاسـه ۹۱۰۹۹۸۳۸۲۵۱۰۰۱۷۱ و بایگانی ۹۱۰۴۰۳ به علـت مجهول‌المکان خواندگان به اسامی ۱- مریم فرامرزی فرزند نظام ۲- مهناز محمدحسینی فرزند علی‌محمد ۳- اکبر محمد حسینی فرزند علی‌محمد ۴- نبات محمدحسینی فرزند گودرز ۵- شاپور محمدحسینی فرزند علی‌محمد ۶- آذر محمدحسینی فرزند محمدمراد ۷- روح‌الله محمدحسینی فرزند علی‌محمد ۸- احمد محمدحسـینی فرزند علی‌محمد ۹- سـلطان محمدحسـینی فرزنـد محمدمراد ۱۰- رحیم محمدحسـینی فرزند محمدمراد ۱۱- یوسـف محمدحسـینی فرزند علی‌محمد ۱۲- عباس محمدحسـینی فرزند علی‌محمـد ۱۳- ناهید محمدحسـینی فرزند محمدمراد ۱۴- عبدالعلی محمدحسـینی فرزند محمدمراد ۱۵- گودرز محمدحسـینی فرزند محمدمراد ۱۶- شـهربانو محمدحسـینی فرزند محمدمراد ۱۷- علی‌داد محمدحسینی فرزند علی‌محمد ۱۸- شـهناز محمدحسـینی فرزند علی‌محمد ۱۹- رضا محمدحسینی فرزند محمدمراد ۲۰- رحیم محمدحسـینی فرزند علی‌محمد ۲۱- کرم محمدحسینی فرزند محمدمراد ۲۲- زینب محمدحسـینی فرزند محمدمراد ۲۳- حسین محمدحسـینی فرزند محمدمراد و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دسـتور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشـار آگهی می‌شود تا خواندگان پس از نشـر آگهی و اطلاع از مفـاد آن در مهلت مقرر قانونی ظرف یک هفته از تاریخ نشـر آگهی جهت ملاحظه نظریه کارشـناس و اظهار هر مطلبی نفیا یا اثباتا در این شـعبه حاضر شوید چنانچه اعتراض دارید اعلام نمایید عدم حضور به منزله پذیرش نظریه کارشناسی است.

دفتر شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان کوهرنگ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۱۲۵۴-۱۳۹۵/۷/۲۷هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم محمود زرینی فرزند علیرضا بشـماره شناسنامه ۸۵۹ صادره از ملایر در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۲۴/۶۸ متر مربع قسـمتی از پلاک یک اصلی اراضی دولت‌آبـاد واقع در بخش چهار ملایر خریداری از مالک رسـمی آقای محمدرضا خرسندی‌نژاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۸/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۹/۱

محمدرضا امینی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
۴۳۷ م الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۲۱۶۱-۱۳۹۵/۷/۲۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایـر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم حسـین نصیری جوزانی فرزند نظر بشـماره شناسـنامه ۴۳ صادره از ملایر در ششـدانگ یکباب گاراژ به مساحت ۸۳۲/۸۷ متر مربع قسـمتی از پلاک یک اصلی اراضی دولت‌آباد واقع در بخش چهار ملایر خریداری از مالک رسـمی آقای محمود بختیاری محرز گردیده اسـت. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشـند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایـی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت در صورت انقضـای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سـند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۸/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۹/۱

محمدرضا امینی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
۴۴۳ م الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابـر رای شـماره ۱۳۹۵۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۱۲۵۶-۱۳۹۵/۷/۲۷ هیئـت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حـوزه ثبت ملک ملایـر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم شـا صنم حاتمی حسین‌آبادی فرزند ولی بشماره شناسنامه ۱۸۵۰ صادره از ملایر در ششدانگ یکباب مغازه و محوطه محور متصل به آن به مسـاحت ۱۰۱/۲۰ متر مربع قسـمتی از پلاک یک اصلی اراضـی دولت‌آباد واقع در بخـش چهار ملایر خریداری از مالک رسـمی آقای/ خانم آمنه سـادات فتاحی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشـخاص نسـبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراض داشـته باشند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۸/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۹/۱

محمدرضا امینی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
۴۴۶ م الف

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

بدین وسیله به آقای مجتبی مروارید فرزند ابوالفضل که مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد باتوجه به دادخواست آقای عباس شهسواری فرزند ذبیح‌الله به خواسـته الزام به